

کتاب

سود بانکی مشمول مالیات می شود

خاطرهم هست وقتی بحث سود بانکی مطرح بود یک بار یک ممیز مالیاتی روی سود بانکی شهروندی برکه تشخیص مالیاتی کشید، در صورتی که سود بانکی معاف از مالیات بود. این کار توسط ممیز دیگری تکرار شد. من احساس خطر کردم که تداوم این کار موجب خروج سپرده‌های بانکی از بانک‌ها شود. جلسه‌ای با رئیس شورای عالی مالیاتی علی ماجدی که قائم مقام بنده نیز بود و آقای عالی نسب گذاشتم. در جلسه از مسئولان مالیاتی توضیح خواستم «چکار می‌کنید؟ سود بانکی از مالیات معاف است. چرا این شهروند برای سود بانکی اش باید مالیات بدهد؟» جواب دادند: «چون بانکداری اسلامی شده است و قبلاً نرخ بهره بانکی از مالیات معاف بوده، پس سود بانکی شامل مالیات می‌شود. به هر حال در آن جلسه مباحث جمع‌بندی شد و قرار بر این شد که شورای عالی مالیاتی کشور با توجه به ماهیت، موضوع را بررسی کند و با صدور حکم وحدت رویه مالیاتی جلوی این کار از ریشه گرفته شود.



وقتی کالای اعتبارات اسنادی سال یا سال‌های قبل از آن که به نرخ ۷ تومان بود حمل می‌شد، بانک‌های خارجی، بانک‌های تجاری ما را بدهکار کرده و بانک‌های ایرانی نیز حساب مشتری ایرانی یعنی خریدار را به مبلغ تخصیص دلار هفت تومان بدهکار می‌کردند. با این حال وقتی بانک‌های تجاری برای دریافت ارز اعتبارات اسنادی به بانک مرکزی رجوع می‌کردند، بانک مرکزی می‌گفت: «چون نرخ ارز افزایش یافته است باید صد و چهل تومان بدهید.» بانک مرکزی

به بانک‌ها گفت از مشتریان خودتان مابه‌التفاوت بگیرید که این دریافت نه قانونی و نه شرعی بود، ضمن اینکه از منظر حقوقی و حرفه بانکداری و حرفه بازرگانی بین‌المللی عطف به ماسبق کردن یک اقدام غیرقانونی محسوب می‌شد



شرح عکس = مرحوم عالی نسب

چگونه با رئیس‌جمهور و میرحسین آشنا شد و از چه طریقی وارد فضای دولت شد؟

به هر حال آقای عالی نسب از چهره‌های متدین و انقلابی بود. طبیعتاً مسئولان کشور نیز با چهره‌های شاخص انقلابی آشنایی داشتند. دیده بودم که بارها رئیس‌جمهور احترام فوق‌العاده‌ای نسبت به ایشان ابراز می‌کند. در جلسات هیأت وزیران که جزو جلسات بسیار مهم کشور محسوب می‌شد و شخص رئیس‌جمهور نیز حضور داشت، عالی نسب حضور می‌یافت و جالب اینکه آقای رئیس‌جمهور اصرار داشت که ایشان در جلسه حتماً باشد. یادم هست مدتی آقای عالی نسب به جلسات شورای اقتصاد نمی‌آمد، تصمیم گرفتیم خدمت ایشان برسیم. به همراه دکتر قاسمی پیش مرحوم عالی نسب رفتیم و از وی خواستیم تا دوباره در جلسات شرکت کند. مرحوم عالی نسب گفت: نخست‌وزیر هم اصرار دارد که در جلسات شرکت کنم ولی نظراتم در عمل اجرا نمی‌شود. انصافاً وی فهم بسیار بالایی از مسائل روز داشت. البته ویژگی خاص ایشان، هم تسلط به مسائل کلان اقتصاد و هم آگاهی به مسائل عملیاتی تجارت و بانکداری بود که بیان آن مفصل است.

یعنی با حضور شما و دکتر قاسمی به عنوان اقتصاد خوانده‌های دولت

نظرات ایشان اینقدر مهم بود که به عنوان نظریه‌پرداز مطرح بودند؟

بله. همان‌طور که گفتم وی شناخت خوبی از شرایط اقتصادی کشور داشت. برای مثال وقتی لایحه مالیات بر ارزش افزوده را به مجلس بردیم، برخی وزرای صنعتی، به‌ویژه بهزاد نبوی نسبت به این طرح موضع داشتند و با اجرای این طرح بشدت مخالف بودند. در صورتی که این نوع مالیات به نفع تولید و صنعت بود. اصولاً روح کلی مالیات بر ارزش افزوده حمایت از تولید و ایجاد شفافیت و در نتیجه متناسب‌سازی «سودبری» عوامل مختلف تولید و توزیع است.

وقتی که عوامل واسطه‌گری و دلالی که فرار مالیاتی دارند، کارگردشان عملاً شفاف می‌شود به سود تولید تمام می‌شود. الان یکی از دلایلی که منابع به سمت تولید نمی‌رود این است که سوداگری سود بیشتری دارد. ما وقتی این موضوع را با مرحوم عالی نسب مطرح کردیم، از آنجا که وی به خوبی سیستم را می‌شناخت بشدت از عملیاتی شدن این طرح در محافل مختلف دفاع کرد. لذا با حمایت‌های قاطعی که از سوی وی صورت می‌گرفت در مباحثی از این قبیل کمک زیادی به ما می‌شد. در صورتی که برخی اعضای اقتصادی و صنعتی دولت به مسائل و کارکرد مثبت VAT انصراف و حساسیتی نداشتند. یادم هست به محض اینکه به آقای عالی نسب اسم VAT را گفتم

عمق و فلسفه پدایش، کارکرد و نقش و اهمیت آن را در اقتصاد به فوریت بیان کرد. در صورتی که همین امروز هم برخی از نخبگان اقتصادی ما بعد از گذشت حدود ۳۰ سال، اما و اگر می‌کنند و هنوز هم عمق آن را پیدا نکرده‌اند.

یعنی شخص ایشان در برخی از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کشور مؤثر بودند؟ درست است؟

بله. خاطرهم هست وقتی بحث سود بانکی مطرح بود یک بار یک ممیز مالیاتی روی سود بانکی شهروندی برکه تشخیص مالیاتی کشید، در صورتی که سود بانکی معاف از مالیات بود. این کار توسط ممیز دیگری تکرار شد. من احساس خطر کردم که تداوم این کار موجب خروج سپرده‌های بانکی از بانک‌ها شود. جلسه‌ای با رئیس شورای عالی مالیاتی علی ماجدی که قائم مقام بنده نیز بود و آقای عالی نسب گذاشتم. در جلسه از مسئولان مالیاتی توضیح خواستم «چکار می‌کنید؟ سود بانکی از مالیات معاف است. چرا این شهروند برای سود بانکی اش باید مالیات بدهد؟» جواب دادند: «چون بانکداری اسلامی شده است و قبلاً نرخ بهره بانکی از مالیات معاف بوده، پس سود بانکی شامل مالیات می‌شود.» به هر حال در آن جلسه مباحث جمع‌بندی شد و قرار بر این شد که

شورای عالی مالیاتی کشور با توجه به ماهیت، موضوع را بررسی کند و با صدور حکم وحدت رویه مالیاتی جلوی این کار از ریشه گرفته شود. آقای عالی نسب، نسبت به هر موضوع اقتصادی اینکه در مباحث تجارت بین‌المللی، بانکداری بین‌المللی و وسایل پرداخت بین‌المللی کاملاً به روز و از مباحث و پیشنهادهای کارشناسی و حرفه‌ای به خوبی حمایت می‌کرد.

جالب است خاطره‌ای را درباره مسلط بودن استاد عالی نسب به مباحث و تئوری‌های اقتصادی بیان کنم. یادم می‌آید یکی از جلسات شورای اقتصاد درباره یک موضوع خاص بیان کرد که مرحوم عالی نسب بلافاصله در واکنش به وی گفت: «منظورتان همان نظریه کینز است؟ در اینجا نظریه کینز کاربرد ندارد!» واقعاً هم درست می‌گفت. نظریه کینز در آن موضوع خاص اصلاً موضوعیت نداشت و اصولاً هم نظریه کینز نتوانست جهان‌روا و پاینده باشد، گرچه نظریه مهمی است.

عالی نسب هم مخالف اقتصاد بازار بود؟

البته کمتر کسی در دنیای امروز لیبرالیسم مطلق اقتصادی را قبول دارد و با شرط و شروط و اصلاحیه‌های فراوانی تلاش می‌شود این تئوری حفظ شود. اگر مبنا رشد اقتصادی است که

موفق‌ترین رشد بالا و مستمر را اقتصاد چین داشته که از اقتصاد سوسیالیستی بازار تبعیت می‌کند یا آلمان پس از جنگ جهانی دوم اقتصاد اجتماعی بازار و یا در ژاپن دولت در اقتصاد مداخله دارد و امور اجتماعی مهم است یا اینکه کشورهای با رشد شتابان نظیر کره جنوبی، برزیل، هند، اندونزی همگی رشد فقرزدا را دنبال کرده‌اند. یعنی همگی آموزه‌های لیبرالی و نئوکلاسیکی را کنار گذاشتند و تلفیقی و بومی عمل کردند. البته در ایران متأسفانه سنت این بوده که باید عقب‌تر از نظریات جهانی باشیم. در رابطه با کمونیسم هم وقتی در خاستگاه خود کمونیست‌ها دچار تزلزل شدند و کمونیسم را کنار گذاشتند در ایران ایدئولوگ‌ها و رئیس آنها احسان طبری هنوز دم از مارکسیسم می‌زد. البته بعداً با کتاب کزراهه بنیاد کمونیسم رازد که خب خیلی دیر بود. استفاده از سازکار عرضه و تقاضا مشکلی ندارد لیکن قواعد و زمین بازی را دولت‌ها و قوانین مشخص می‌کنند نه بازیگران سرمایه‌داری. تصور کنید دو تیم فوتبال به زمین می‌آیند، اسم آن هم رقابت است، لیکن از تعداد ۱۱ بازیکن فقط دروازه‌بان توپ را با دست می‌گیرد، تعویض‌ها بیش از سه بازیکن مجاز نیست، مدت زمان بازی ۹۰ دقیقه، وقت استراحت ۱۵ دقیقه، طول زمین ۱۱۰ متر، منطقه پناهی، آقساید، فول، توپ فقط بایستی داخل زمین به

لیبرال‌ها نرخ دلار را ۲۰ برابر کردند!

تفکر غیرکارشناسی و پرمدعی لیبرالی در سال‌های پس از جنگ، با هیاهوی فراوان، نرخ دلار را از ۷ تومان به ۱۴۰ تومان افزایش داد